



تحلیل بازنمایی رسانه ای مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت (با تاکید بر تحلیل محتوای اخبار بی بی سی فارسی و ایران اینترنشنال ۱۳۹۸-۱۴۰۱ ه.ش)
فاطمه طاهرخانی^۱

۴۱

دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۴۱
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۰۷-۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۰۶-۱۲

صص: ۱۳۹-۱۱۹

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل بازنمایی جبهه‌ی مقاومت در رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه پرداخته است. بدین منظور، دو رسانه‌ی ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی در دو پلتفرم اینستاگرام و توئیتر طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ ه.ش بررسی شده‌اند. مسئله‌ی اصلی پژوهش، کشف استراتژی‌های گفتاری و مضامین به‌کاررفته در این رسانه‌ها علیه منافع جمهوری اسلامی ایران بوده. برای این منظور، از چارچوب تحلیل تاریخی-گفتمانی روث ووداک استفاده شد. تأکید این چارچوب بر دو مفهوم محوری "استراتژی" و "مضمون" است. در سطح استراتژی‌های گفتمانی، پنج استراتژی "نام‌گذاری"، "حمل"، "استدلال‌ورزی"، "چشم‌اندازسازی" و "تشدید/تضعیف" در محتوای هر دو رسانه قابل تشخیص بود. همچنین پنج مضمون اصلی در بازنمایی سیاست منطقه‌ای ایران، شناسایی شد: "مالی-اقتصادی"، "امنیتی-راهبردی"، "صلح و همکاری‌های منطقه‌ای"، "حقوقی-قضایی" و "هنجاری-انسانی". یافته‌های پژوهش موید آن است که این دو رسانه با استفاده از استراتژی‌ها و مضامین یاد شده و ذیل ابراهرد مشروعیت‌زدایی، چهار راهبرد ذیل را پیش برده‌اند: نخست، مرجعیت‌زدایی از طریق نمایش ضعف نهادی و غیریت‌سازی از حاکمیت. دوم، ارزیابی اخلاقی از طریق انسانیت‌زدایی و کتمان نفرت عمومی از اسرائیل. سوم، عقلانی‌سازی از طریق القای انزوای منطقه‌ای و شکاف مردم و حاکمیت. چهارم، اسطوره‌پردازی از طریق الگودهی حملات نظامی و عملیات روانی. نوآوری پژوهش در تلفیق چارچوب تحلیل گفتمانی ووداک با الگوی مشروعیت‌زدایی ون لیون است. کاربست این چارچوب در تحلیل تطبیقی دو رسانه و دو پلتفرم متفاوت، با حجم بالای داده‌های متنی، وجه دیگر نوآوری پژوهش به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی:

جبهه مقاومت، تحلیل تاریخی-گفتمانی، استراتژی، مضمون، بی بی سی فارسی، ایران اینترنشنال، قدرت نرم

۱. استادیار گروه فلسفه سیاسی، پژوهشکده اندیشه سیاسی انقلاب و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول) f.taherkhani@ihcs.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسأله:

امروزه ارتباط وثیق میان «رسانه‌ها» و «سیاست خارجی»، امری بدیهی و پذیرفته شده در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد این ارتباط دو سویه است. سیاست‌گذاران در تلاش‌اند رسانه را به مثابه ابزاری برای اثرگذاری بر افکار عمومی یک کشور خاص یا جهان به کار برند. در عین حال، ایشان می‌بایست پذیرای فشار رسانه‌ای و در نظر گرفتن تأثیرات آن بر اعمال و رویه‌های خود باشند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان کشوری مستقل و اثرگذار در سطوح منطقه‌ای و جهانی، محل توجه رسانه‌های بین‌المللی بوده است. هنگامی که از جریان رسانه‌های بین‌المللی صحبت می‌شود، منظور شبکه‌ای از رسانه‌های دیرپا یا نوظهور است. این شبکه شامل روزنامه‌ها و مجلات، شبکه‌های ماهواره‌ای-تلویزیونی، ایستگاه‌های رادیویی، پیام‌رسان‌های ارتباطی و پلتفرم‌های مجازی مانند «توییتر» و «فیس‌بوک» می‌شود. در مورد جمهوری اسلامی، این شبکه شامل مجموعه‌ای از دستگاه‌های تولید و انتشار اخبار به زبان فارسی است. می‌توان این شبکه را شبکه‌ای غربی-عربی-عبری دانست. یکی از مهم‌ترین محورهای تعارض منافع میان جمهوری اسلامی و غرب، سیاست‌های منطقه‌ای ایران به ویژه حمایت از جریان مقاومت است. در این مقاله، «جبهه‌ی مقاومت» در گفتمان ایرانی، یک راهبرد کلان و یک هویت تمدنی برای مقابله با نظم سلطه‌طلبانه در منطقه و دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی تلقی می‌شود. این مفهوم بر همبستگی، ایستادگی و پایداری در برابر دشمنان مشترک تأکید دارد. جبهه‌ی مقاومت شبکه‌ای از متحدان را در بر می‌گیرد که علیرغم تفاوت‌های ملی و مذهبی، در یک هدف مشترک علیه «استکبار» و «صهیونیسم» متحد شده‌اند. اعضای اصلی و متحدان این جبهه عبارت‌اند از: جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر این محور، حزب‌الله لبنان به عنوان برجسته‌ترین و قدیمی‌ترین متحد غیردولتی ایران، گروه‌های فلسطینی شامل حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین، گروه‌های شیعه‌ی عراقی مانند حشد الشعبی که پس از سال ۲۰۰۳ میلادی قدرت گرفتند، انصارالله یمن که کنترل بخش‌هایی از یمن را در دست دارد، سوریه که تا پیش از دسامبر ۲۰۲۴ میلادی به عنوان متحد دولتی این محور شناخته می‌شد. با وجود مطالعات متعدد درباره‌ی سیاست خارجی ایران و مناسباتش با جبهه‌ی مقاومت، تحلیل گفتمانی نظام‌مند از بازنمایی رسانه‌های فارسی‌زبان معاند کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به ویژه بازنمایی مناسبات ایران و جبهه‌ی مقاومت در بستر شبکه‌های اجتماعی توسط بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال، جای پژوهش دارد. پرسش اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است، عبارت است از: این رسانه‌ها با به‌کارگیری مضامین و استراتژی‌های گفتمانی، چه نوع بازنمایی از مناسبات ایران و مقاومت ارائه داده‌اند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش:

مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر عبارت‌اند از: شناسایی نظام گفتاری شبکه‌ی رسانه‌ای ضدایرانی علیه منافع ملی جمهوری اسلامی که این نظام گفتاری شامل استراتژی‌های گفتمانی و مضامین می‌شود، شناسایی اهداف سیاسی حامیان شبکه‌ی رسانه‌ای ضدایرانی. مهم‌ترین پرسشی که تحقیق حاضر می‌خواهد به آن پاسخ دهد، این است: مهم‌ترین استراتژی‌های گفتمانی رسانه‌های



یادشده در مورد جریان مقاومت و امنیت اسرائیل کدام‌اند و با چه اهداف سیاسی طراحی شده‌اند؟ همچنین برای یافتن پاسخ دقیق، می‌بایست به این پرسش‌ها نیز پاسخ داد: مهم‌ترین کنش‌گرانی که در رسانه‌های مزبور مورد توجه هستند، کدام‌اند؟ مهم‌ترین کنش‌های مقامات ایرانی که این رسانه‌ها برجسته می‌سازند، کدام‌اند؟ مهم‌ترین موضوعات و مضامین مورد تمرکز رسانه‌ها کدام‌اند؟ جامعه‌ی آماری و نمونه‌های مورد بررسی برای پاسخگویی به این پرسش‌ها، بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شده‌اند. این دو رسانه نسبت به سایر رسانه‌ها، تمرکز بیشتری بر حوزه‌ی سیاست خارجی دارند. از میان پلتفرم‌هایی که این رسانه‌ها در آن فعال هستند، دو پلتفرم توییتر و اینستاگرام محل توجه قرار گرفته‌اند. این دو پلتفرم به جهت متن‌محور بودن قالب فعالیتشان، امکان تحلیل گفتمانی دقیق را فراهم می‌کنند. در این پژوهش، مجموعاً ۹۰۰۰ محتوای تصویری و متنی از دو رسانه و دو پلتفرم بررسی شده است. این داده‌ها شامل ۱۹۰۰ پست اینستاگرامی و ۷۱۰۰ توییت از دو رسانه‌ی مذکور طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ ه.ش است. همچنین، بی‌بی‌سی فارسی با ۱۸/۶ میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرام و ۶۹۶/۹۹۰/۱ دنبال‌کننده در توییتر، پرمخاطب‌ترین رسانه در این دو پلتفرم به شمار می‌رود. ایران اینترنشنال با ۹/۷ میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرام و ۹۹۴/۰۶۰/۱ دنبال‌کننده در توییتر، به ترتیب رتبه‌ی سوم و دوم را در این پلتفرم‌ها داراست.

۳. پیشینه تحقیق:

در باب مقاله، نوشته مشابهی که قرین به موضوع باشد یافت نشد اما درباره نسبت بین رسانه و سیاست، منابعی به نگارش درآمده که حائز توجه و اهمیت‌اند؛ فرخی پور و پروانه (۱۳۹۸) در مقاله‌ی خود با عنوان "نسبت سیاست خارجی با سیاست رسانه‌ای؛ مطالعه موردی بررسی مقابله‌ای روزنامه‌های انگلیسی‌زبان ایران و آمریکا"، تقسیم‌بندی نسبتاً جامعی از نظریات مربوطه ارائه نموده‌اند. نظریه تأثیر سی.ان.ان، فرضیه نمایه، سیاست‌گذاری-رسانه، نظریه تثبیت و نظریات مربوط به اولویت-زمینه مهم‌ترین این موارد هستند. همچنین دارابی و احدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی نقش رسانه‌ها در سیاست خارجی ایران و ایجاد اجماع در برنامه هسته‌ای پرداخته‌اند. قربانی و سیمبر (۱۳۹۹) در مقاله "تأثیر رسانه‌های اصلی ایالات متحده بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۲۰-۲۰۰۷)" به موضوع پژوهش حاضر تا حدودی نزدیک شده‌اند اما به لحاظ روشی و موضوعی نمی‌توان دو مقاله را یکسان دانست. "توییپلماسی: بازنمایی سیاست خارجی ایران در توییتر" نیز مقاله‌ای است که سلیمی و وهاب پور درباره نقش توییت‌های سیاستمداران دنیا در سیاست خارجی کشورهای خود، منتشر نموده‌اند. همچنین ادیب‌زاده (۱۳۸۷) با کتاب "زبان، گفتمان و سیاست خارجی؛ دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان‌نمادین ایرانی" و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۵) با کتاب "گفتمان‌های هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" به مسایل سیاست خارجی از منظر تحلیل گفتمانی پرداخته‌اند که بی‌مناسبت با موضوع مقاله حاضر نیست.

۴. چارچوب مفهومی:

محقق در مقاله حاضر به دنبال آن است که بداند رسانه‌های معاند فارسی‌زبان با محوریت ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی در دو پلتفرم توئیتر و اینستاگرام، چه تصویری از سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حوزه مقاومت می‌سازند و بازنمایی می‌کنند؟ قاعدتاً پاسخ به این پرسش با اخذ چارچوب تحلیل گفتمان قابل حصول است. به این منظور می‌بایست برخی از مفاهیم نظری ساخته و پرداخته شده در الگوهای رایج تحلیل گفتمانی مورد تعریف و سپس استفاده قرار گیرند. ابتدا می‌بایست خود مفهوم گفتمان مورد توجه قرار گیرد که به نظر می‌رسد تعریف ذیل به کار محتوای نوشته حاضر آید: «گفتمان یک ساخت زبانی است که به شیوه‌ای معین، جهان حقیقی را بازنمایی می‌کند و در واقع یک تصویر از جهان را به ما ارائه می‌نماید. در هر صورت، هنگامی که مجموعه‌ای از متون که شامل کلمات، جملات و عبارات در کنار یکدیگر قرار گرفتند و با هدف مشخص به بازنمایی محیط پرداختند، می‌توان ادعا نمود یک گفتمان شکل گرفته است» (ون لیون، ۲۰۰۸: ۶). البته در اکثر مدل‌های گفتمان انتقادی، هم زبان مکتوب و هم زبان گفتاری را نوعی پرکتیس اجتماعی^۱ تلقی می‌کنند (فرکلاف و ووداک، ۱۹۹۷: ۴۵). گفتمان، شیوه‌ای از معنا بخشیدن به یک بخش از پرکتیس اجتماعی از یک منظر خاص است (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۱۴). استراتژی^۲ به معنای کاربست کم‌ابیش عمدی پرکتیس‌ها (از جمله پرکتیس‌های گفتمانی) است که برای دستیابی به یک هدف خاص اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی یا زبانی اتخاذ شده است. استراتژی‌های گفتمانی در سطوح مختلف سازماندهی و پیچیدگی زبانی قرار گرفته‌اند (ووداک، ۲۰۰۱: ۶۴). مفهوم بعدی کنش^۳ است. منظور از این واژه، کارهایی است که مردم انجام می‌دهند، فعالیت‌هایی که پرکتیس‌ها را تشکیل می‌دهند و نظام دارای تسلسل تاریخی شان. برای نمونه در مورد ورزش، کنش‌ها حرکات فیزیکی عملی هستند که در یک سامان ویژه انجام می‌شوند (ون لیون، ۲۰۰۵: ۱۰۶). همچنین کنش‌گران^۴ افراد درگیر در پرکتیس و نقش‌های متفاوتی که آن‌ها را درگیر می‌نماید، هستند. برای مثال؛ وظایف انفعالی و کنش‌پذیر یا کنش‌گری و فعال. در نهایت مفهوم مضمون^۵ را داریم؛ مضمون‌ها را به عنوان بخشی از استدلال تعریف می‌کنند که متعلق به مفروضات حتمی، صریح و استنتاج‌پذیر هستند. همچنین، مضمون‌ها، احکام مرتبط با محتوا یا «قوانین نتیجه‌گیری» هستند که بحث و استدلال را با نتیجه یا ادعای مرکزی مرتبط می‌سازند. به این ترتیب، آن‌ها گذار از استدلال یا انتقال استدلال به نتایج را توجیه می‌کنند. مضمون‌ها در تحلیل استدلال مغالطه‌آمیز که ظاهری متقاعدکننده دارند، نقش اصلی را دارند. با استفاده از مفاهیم ارائه شده، تلاش خواهد شد محتوای توئیترها و پست‌های دو شبکه ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ ه.ش به لحاظ تمرکز بر کنش‌گران، کنش‌ها و مضامین مورد تحلیل قرار گیرند تا استراتژی‌های گفتمانی رسانه‌های مزبور کشف گردد و سپس اهداف و نیت آن‌ها شناسایی شوند.

^۱Discourse analysis
^۲Social practice
^۳Strategy
^۴Action
^۵Activists
topoi

**۵. روش:**

در بین نحله‌های مختلف تحلیل گفتمان، تحلیل تاریخی-گفتمانی روث ووداک بیشترین ابزار لازم برای تحلیل را در اختیار قرار می‌دهد. با اتخاذ چارچوب تحلیل تاریخی-گفتمانی ووداک، این پژوهش قادر خواهد بود به پرسش اصلی خود درباره استراتژی‌های گفتاری رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه علیه منافع ایران پاسخ دهد. این روش از آن رو مفید و راهگشاست که با شناسایی محتوا و موضوعات ویژه در گفتمان این رسانه‌ها، به طور نظام‌مند به واکاوی پنج دسته استراتژی گفتمانی می‌پردازد: نخست، استراتژی‌های نام‌گذاری^۱ (ارجاعی) نشان می‌دهد این رسانه‌ها چگونه با بهره‌گیری از استعاره‌ها، کنایه‌ها و برجسب‌های خاص، ایران و کنشگران سیاسی آن را بازتعریف و بازنام‌گذاری می‌کنند. دوم، استراتژی‌های حمل^۲ (محول‌سازی) آشکار می‌کند که ویژگی‌های مثبت و منفی چگونه به کنشگران سیاسی ایران و رقبای منطقه‌ای‌شان نسبت داده می‌شود. سوم، استراتژی‌های استدلال‌ورزی^۳ منطق پنهان در توجیه‌های سیاسی برای طرد یا گنجاندن ایران در معادلات منطقه‌ای را عیان می‌سازد. چهارم، استراتژی‌های چشم‌اندازسازی^۴ با بررسی شیوه‌های روایت، توصیف و بازنمودن رویدادها، نشان می‌دهد که این رسانه‌ها چگونه واقعیت را از منظر خود قالب بندی و بازنمایی می‌کنند. سرانجام، استراتژی‌های تشدید و تضعیف^۵ نیروی بیانی متون را در قوت‌بخشی یا تضعیف مواضع ایران در افکار عمومی فارسی‌زبان تحلیل می‌کند. بنابراین، قدرت این روش در پیوند دادن لایه‌های خرد زبانی (واژگان، استعاره‌ها، ساخت‌های نحوی) با لایه‌های کلان اجتماعی-تاریخی (بافت قدرت، منازعات ایدئولوژیک و رقابت‌های ژئوپلیتیک) است که به محقق امکان می‌دهد نه صرفاً محتوای آشکار بلکه سازوکارهای پنهان بازتولید قدرت و هژمونی را در گفتمان رسانه‌های بیگانه علیه منافع ایران کشف و تبیین کند. ووداک با تأکید بر این نکته که متون «مکان‌های مبارزات اجتماعی» و عرصه تجلی منازعات ایدئولوژیک^۶ برای هژمونی هستند، به ما هشدار می‌دهد که پشت هر انتخاب زبانی، یک محاسبه سیاسی نهفته است. از این رو، تحلیلگر با ردگیری استراتژی‌های استدلال‌ورزی (که توجیه‌کننده طرد یا گنجاندن ایران در نظم منطقه‌ای است) و استراتژی‌های چشم‌اندازسازی (که رویدادها را از زاویه‌ای خاص روایت می‌کند) می‌تواند به این پرسش راهبردی پاسخ دهد که هر رسانه در پی چیست: مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های منطقه‌ای ایران؟ ایجاد شکاف میان ملت و حاکمیت؟ یا بازنویسی تاریخ منطقه به نفع رقبا؟ بدین سان این روش نه تنها «چه گفته می‌شود» را واکاوی می‌کند، بلکه به «چرا گفته می‌شود» و «به نفع که گفته می‌شود» نیز پاسخ می‌گوید و ایدئولوژی نهفته در پشت گفتمان‌ها را عریان می‌سازد.

در کنار چارچوب ووداک، این پژوهش از الگوی مشروعیت‌زدایی ون لیون^۸ نیز بهره می‌گیرد. ون لیون چهار راهبرد اصلی مشروعیت‌زدایی را تشخیص می‌دهد: نخست، مرجعیت‌زدایی^۹ که مشروعیت‌زدایی از طریق ارجاع‌زدایی از سنت، عرف، قانون یا

^۱Ruth Woodack
^۲Naming
^۳Carrying
^۴Reasoning
^۵Landscape design
^۶Intensification and de-escalation strategies
^۷Ideological conflicts
^۸Van Leeuwen
^۹Decentralization



افرادی است که دارای اقتدار نهادی هستند. دوم، ارزیابی اخلاقی که مشروعیت‌زدایی از طریق ارجاع به گفتمان‌های ارزشی و اخلاقی صورت می‌گیرد. سوم، عقلانی‌سازی^۲ که مشروعیت‌زدایی با ارجاع به اهداف و کارکردهای کنش‌های نهادی شده و دانش‌های اجتماعی است که به آن‌ها اعتبار شناختی می‌بخشد. چهارم، اسطوره‌پردازی^۳ که مشروعیت‌زدایی از طریق روایت‌هایی است که پیامدهای آن، کنش‌های نامشروع را تنبیه می‌کنند. تأکید نویسنده در این مقاله بر تلفیق این دو چارچوب نظری است. این تلفیق از آن رو صورت گرفته که الگوی ووداک با تأکید بر پنج استراتژی گفتمانی امکان شناسایی لایه‌های خرد زبانی و شیوه‌های بازنمایی را فراهم می‌آورد و الگوی ونلیون با چهارراهبرد مشروعیت‌زدایی، منطق پنهان در این بازنمایی‌ها و چگونگی مشروعیت‌زدایی از سیاست منطقه‌ای ایران را آشکار می‌سازد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر آن است که با تکیه بر شناخت استراتژی‌های گفتمانی و مضامین به‌کاررفته در محتوای دو رسانه ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی، شیوه‌های مشروعیت‌زدایی از بازنمایی رسانه‌ای سیاست منطقه‌ای ایران و منطق حاکم بر این مشروعیت‌زدایی‌ها را کشف و تبیین نماید.

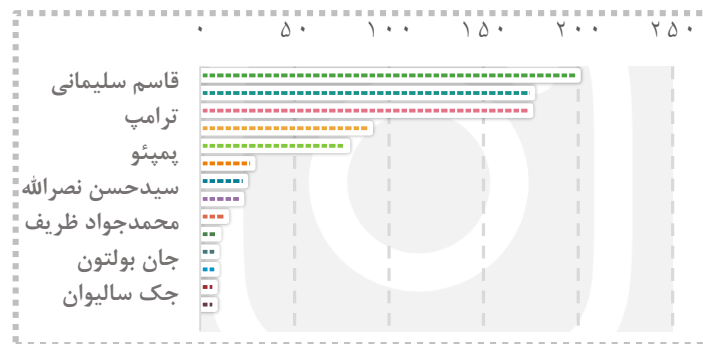
۶. تحلیل توصیفی - کمی:

در این بخش از پژوهش، خواننده با تحلیلی توصیفی-کمی از بازنمایی جبهه مقاومت در دو رسانه ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی (در پلتفرم‌های اینستاگرام و توییتر) مواجه خواهد شد. این بخش شامل داده‌های کمی درباره کنشگران پرتکرار ایرانی (نظیر سردار سلیمانی، رهبر انقلاب، حسن روحانی و محمدجواد ظریف)، کنش‌های منتسب به ایران (شامل غیرقابل‌اعتمادسازی، تنش‌زایی منطقه‌ای و ضعف امنیتی) و موضوعات کانونی (مانند بزرگنمایی قدرت اسرائیل، عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل و شکاف‌های اجتماعی در ایران) است. همچنین مقایسه‌ای میان راهبردهای گفتمانی دو رسانه و دو پلتفرم ارائه می‌شود تا روشن گردد هر یک با چه الگوی تکرارشونده‌ای به بازنمایی ایران و جبهه مقاومت پرداخته‌اند.

۱.۶. تحلیل محتوای پست‌های اینستاگرام ایران اینترنشنال:

در بررسی موضوع جریان مقاومت توسط رسانه ایران اینترنشنال روشن شد که بالغ بر ۱۹۰۰ پست در فضای اینستاگرام در بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ منتشر شده است. با بررسی شخصیت‌های پرتکرار در بین پست‌های منتشر شده مشخص شد که چهار شخصیت ایرانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند که به ترتیب شامل سردار سلیمانی، رهبر انقلاب، حسن روحانی و محمدجواد ظریف بوده است.

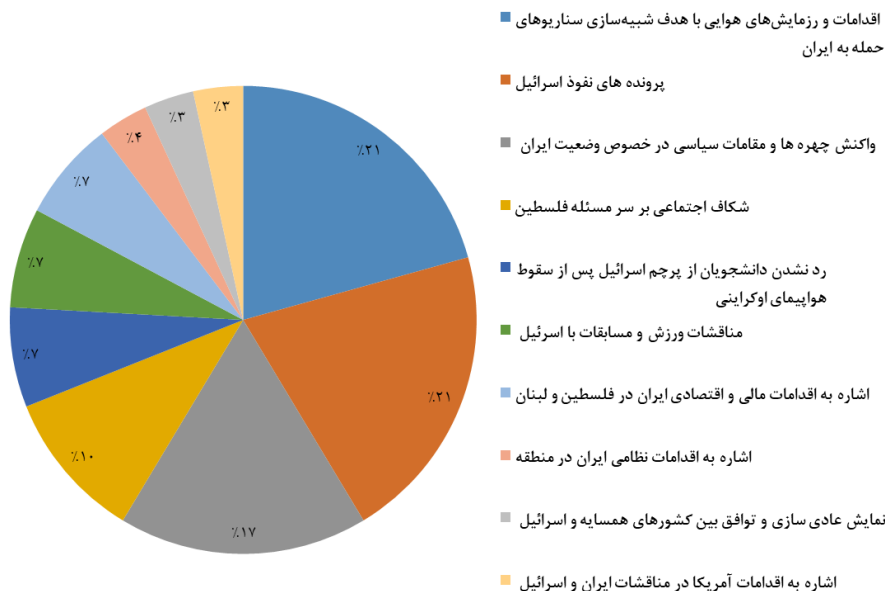
نمودار ۱: فراوانی کنشگران مورد توجه ایران اینترنت‌نشان در اینستاگرام



کنش‌های متناسب به ایران: نخستین کنش پرتکرار متناسب به ایران، «غیرقابل اعتماد بودن در سطح جهانی» است. برخی از پست‌های متناسب شده بر غیرقابل اعتماد بودن ایران و بازی دادن جامعه جهانی اشاره داشته‌اند. به طور مثال: «بنی‌گتس وزیر دفاع اسرائیل گفت: "مذاکرات وین هیچ پیشرفتی نداشته است و قدرت‌های جهانی می‌دانند که مقام‌های جمهوری اسلامی دارند بازی می‌کنند." کنش مهم دیگر که به جمهوری اسلامی نسبت داده شده است، «تنش‌زا و عامل ایجاد درگیری در سطح منطقه» است. در این نگاه، پیشرفت در روند صلح خاورمیانه بدون مهار ایران غیرممکن دانسته می‌شود و کنترل قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران را عامل اصلی پیشرفت فرآیند صلح تلقی می‌کنند. درباره این اتهام، مجدداً سخنان مقامات رژیم صهیونیستی برجسته شده است: "وزیر دفاع اسرائیل در دیدار با وزیر دفاع آمریکا گفت: ایران در راستای اهداف خود برای سلطه‌گری، در تلاش است همه نشانه‌های آزادی، کرامت انسانی و صلح را در خاورمیانه و فراتر از آن از بین ببرد."

موضوعات کانونی: با بررسی پست‌های موردپسند مخاطبان در صفحه اینستاگرام این رسانه مشخص شد که دو موضوع اصلی در سال‌های گذشته بازتاب گسترده‌ای داشته است. دسته نخست، بازتاب اقدامات و رزمایش‌های نظامی اسرائیل و دسته دوم، پرونده‌های مربوط به نفوذ در سیستم‌های اطلاعاتی ایران بوده است. تأکید بر هر دوی این موضوعات نشان‌دهنده تاکتیک عملیات روانی این رسانه در جهت بزرگنمایی و اغراق قدرت دفاعی اسرائیل است. از جمله محتواهای منتشرشده در خصوص اقدامات و رزمایش‌های نظامی اسرائیل می‌توان به بازتاب خبر حمله اسرائیل به مقر نظامیان ایرانی در سوریه اشاره کرد. دومین موضوعی که از سوی این رسانه بازتاب گسترده‌ای داشته است، محتواهای منتشرشده با موضوع ضعف سیستم‌های امنیتی ایران و نفوذ اسرائیل بوده است. تأکید بر شکاف اجتماعی در ایران، حضور سعید مولایی در مسابقات جایزه بزرگ اسرائیل، اشاره به اقدامات مالی و اقتصادی ایران در فلسطین و لبنان، تأکید بر اقدامات نظامی ایران در منطقه به ویژه حمله به مقر حزب دموکرات کردستان در اربیل عراق، نمایش عادی‌سازی روابط بین کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عربی با اسرائیل نیز از دیگر موضوعات مطرح‌شده در خصوص جریان مقاومت است.

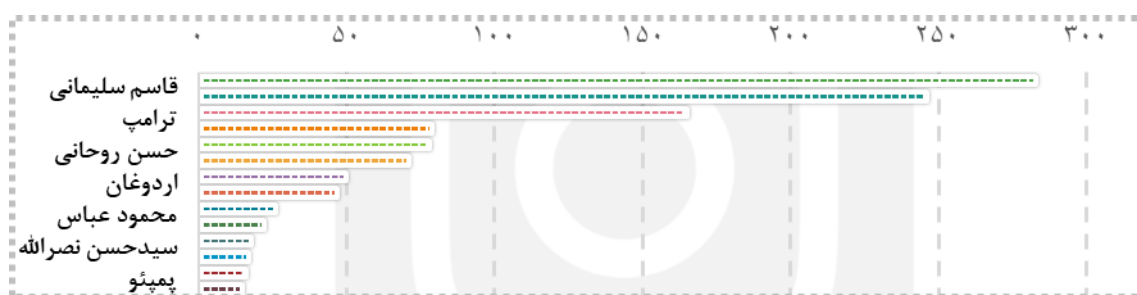
نمودار 2: فراوانی موضوعات کانونی در پست های اینستاگرام اینترنشنال



۲.۶. تحلیل محتوای پست های اینستاگرام بی بی سی فارسی:

کنش گران: در موضوع جریان مقاومت، در بین اسامی شخصیت‌ها، نام سردار سلیمانی با اختلاف ۶ برابری در مقایسه با سایر چهره‌های داخلی قرار گرفته است. پس از او، نام حسن روحانی و رهبر انقلاب به چشم می‌خورد. در بین شخصیت‌های غیر داخلی نیز نام نتانیاهو، ترامپ و بشار اسد پُر تکرار بوده است. در بین چهره‌های سرشناس منطقه، نام اردوغان، پوتین و محمود عباس نیز در زمره ۱۰ اسم پُر تکرار بوده‌اند.

نمودار 3: فراوانی کنشگران مورد توجه بی بی سی فارسی در اینستاگرام



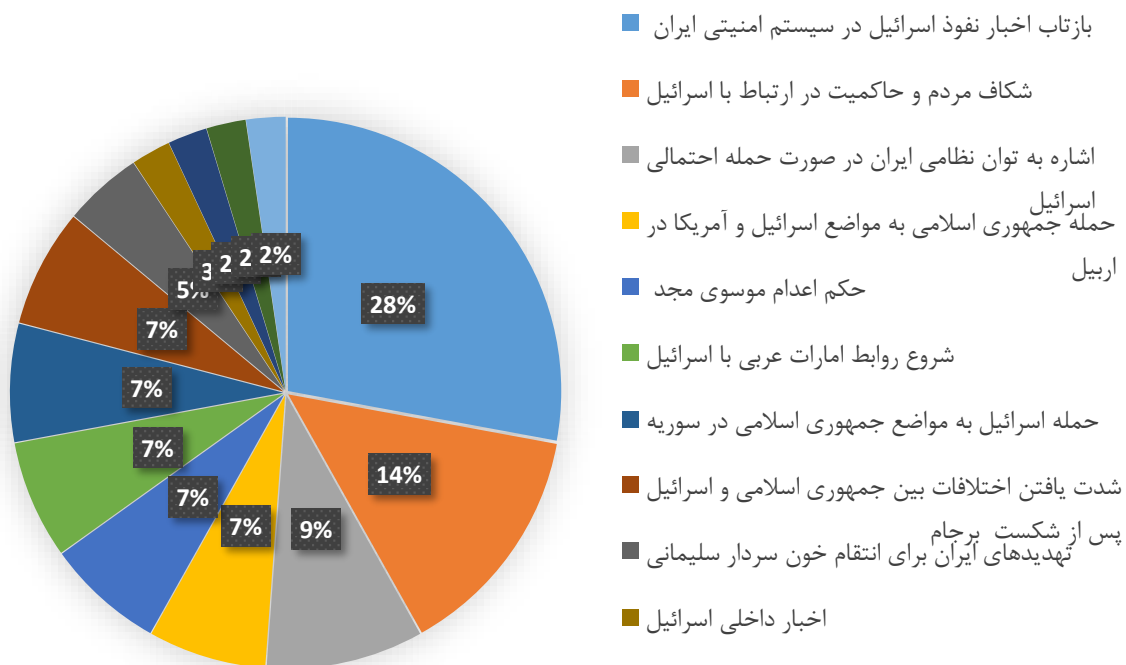
کنش های نسبت داده شده به ایران: ۲کنش اصلی نسبت داده شده به ایران از سوی این شبکه خبری، "تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای" و "قابل نفوذ بودن به لحاظ امنیتی" است و استناد بی بی سی در این اتهام زنی، عمدتاً گفته‌های مقامات رژیم صهیونیستی است؛ "رسانه‌های اسرائیل گزارش دادند که دیوید برنیا، رییس موساد، سرویس اطلاعات خارجی اسرائیل قول داده



است که ایران سلاح هسته‌ای نخواهد داشت نه در سال‌های آینده و نه هیچوقت دیگر. این قول من به شماست. این قول موساد است." همچنین این رسانه به ماجرای ترور شهید صیاد خدایی این گونه اکتش نشان داد؛ "اسرائیل روز دوشنبه با اشاره به تهدید ایران انتقام ترور هفته گذشته یک سرهنگ سپاه پاسداران، به شهروندان خود هشدار داد به ترکیه سفر نکنند. ساعاتی پیش از این فرمانده کل سپاه پاسداران گفته بود ایران انتقام صیاد خدایی را می‌گیرد. ایران اسراییل را مسئول قتل حسن صیاد خدایی می‌داند."

مهم‌ترین موضوعات مطرح شده: با بررسی تویت‌های منتشر شده مورد پسند مخاطبان در صفحه تویت این رسانه مشخص شد که دو موضوع اصلی که بازتاب گسترده‌ای توسط این رسانه داشته است، مربوط به پرونده‌های نفوذ و خرابکاری اسرائیل در ایران بوده است. موضوع دوم که مورد توجه قرار گرفته است شکاف مردم و حاکمیت بر سر نوع مناسبات و روابط با اسرائیل بوده است. اشاره به توان نظامی ایران در صورت حمله نظامی اسرائیل از دیگر موضوعات مورد توجه از سوی این رسانه بوده است. بازنشر اخبار مربوط به حمله ایران به مواضع اسرائیل و آمریکا در اربیل از دیگر موضوعات مورد توجه بوده است. حملات هوایی اسرائیل به مواضع نظامی ایران در منطقه نیز از دیگر موضوعات بازتاب داده شده از سوی این رسانه بوده است، بازنشر خبر کشته‌شدن نیروهای سپاه پاسداران و حزب‌الله لبنان در سوریه و حمله به مقر پهپادها و مواضع نظامی ایران از جمله اخبار این حوزه بوده‌اند.

نمودار ۴: فراوانی موضوعات مورد توجه ایران اینترنت‌شال در اینستاگرام

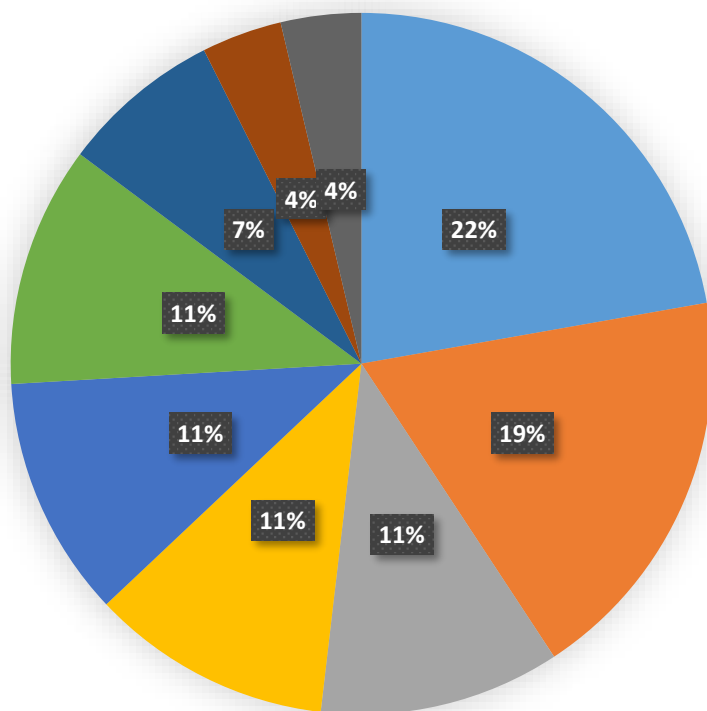




۳.۶. تحلیل محتوای توییت های صفحه توئیتر بی بی سی فارسی :

کنش گران: در موضوع جریان مقاومت در بین اسامی شخصیت‌های داخلی نام سردار سلیمانی و رهبری بیش از سایر شخصیت‌ها به چشم می‌خورد. در بین شخصیت‌های غیرداخلی نیز نام نتانیا هو، ترامپ و پمپئو پر تکرار بوده است. در بین چهره‌های سرشناس در منطقه نیز نام به‌شارا سد، اردوغان و محمود عباس نیز در زمره ۱۰ سم پرتکرار بوده‌اند. همچنین در بین سازمان‌های پرتکرار، سپاه با فاصله‌ای دو برابری از سایر سازمان‌ها قرار دارد، پس از آن در بین سازمان‌های داخلی نام سازمان انرژی اتمی به چشم می‌خورد. در بین نهادهای غیرداخلی نام سازمان ملل پرتکرار بوده است. همچنین نام وزارت خارجه آمریکا و دولت آمریکا نیز در بین سازمان‌های پرتکرار دیده می‌شود و در نهایت در بین مناطق جغرافیایی پرتکرار نام ایران و آمریکا در زمره پرتکرارترین‌ها بوده‌اند. که این موضوع نشان می‌دهد بیشتر اخبار مربوط به جریان مقاومت در زمره اخبار حول این دو کشور بوده است. پس از آن نام برخی از کشورهای درگیر در جریان مقاومت از جمله یمن، سوریه و عراق به چشم می‌خورد.

مهم‌ترین موضوعات مطرح شده: با بررسی توییت‌های منتشر شده مورد پسند مخاطبان در صفحه توئیتر این رسانه مشخص شد که دو موضوع اصلی که بازتاب گسترده‌ای توسط این رسانه داشته است، مربوط به پرونده‌های نفوذ و خرابکاری اسرائیل در ایران بوده است. موضوع دوم که مورد توجه قرار گرفته است اخبار مربوط به توافقنامه بین اسرائیل و کشورهای عربی و آغاز روابط دیپلماتیک بین آن‌ها بوده است. همان‌گونه که ذکر شد بیشترین موضوعی که از سوی این رسانه در خصوص مناسبات ایران و اسرائیل مد نظر قرار گرفته است، تأکید بر پرونده‌های نفوذ و خرابکاری بوده است. بحث حضور کاترین شکدم در ایران، استفاده اسرائیل از ترور و نفوذ در ایران برای ایجاد یک درگیری نظامی پیش از خروج ترامپ از کاخ سفید، اخبار مربوط به توافقنامه بین اسرائیل و کشورهای عربی و آغاز روابط دیپلماتیک بین آن‌ها، توافق صلح امارات، بحرین و سودان با اسرائیل و واکنش‌های مقامات ایرانی و چهره‌های بین‌المللی از جمله این اخبار بوده است. تأکید بر سناریوی حمله اسرائیل به ایران نیز یکی دیگر از موضوعاتی بوده است که از سوی این رسانه بازنشر یافته است، بازنشر صحبت‌ها و چهره‌های سیاسی اسرائیل در خصوص آمادگی حمله نظامی به ایران از مهم‌ترین محورهای شناسایی شده در این خصوص است. در نهایت این که بازنشر اخبار مربوط به حمایت اقتصادی و مالی ایران از جریان مقاومت از دیگر موضوعات مطرح شده بوده است.



- پرونده های نفوذ و خرابکاری اسرائیل در ایران
- اخبار مربوط به توافقنامه بین اسرائیل و کشورهای عربی و آغاز روابط دیپلماتیک
- حملات هوایی اسرائیل به منطقه
- حملات هوایی اسرائیل به غزه
- شکاف اجتماعی بر سر مسئله مقاومت در ایران
- بازنشر اخبار و مسائل داخلی اسرائیل
- اشاره به اقدامات آمریکا در مناقشات ایران و اسرائیل
- اقدامات اسرائیل در راستای سناریو حمله به ایران
- اشاره به حمایت مالی و اقتصادی ایران از محور مقاومت

نمودار ۵: فراوانی موضوعات مورد اشاره بی بی سی فارسی در توییت

کنش ها و مفاهیم نسبت داده شده به جمهوری اسلامی ایران: مهم ترین کنش های متناسب به جمهوری اسلامی، «ضعیف در قدرت نظامی/دفاعی» و «عامل ایجاد ناامنی و تنش در منطقه» است. این مضامین با گزاره هایی چون «اسرائیل: مقرر پهبادهای انتحاری ایران در دمشق را زدیم»، «حمله هوایی اسرائیل به سوریه؛ کشته شدن ۱۶ تن از نیروهای سپاه پاسداران و حزب الله لبنان» و «وزیر دفاع اسرائیل می گوید ایران چالاشی برای جهان و منطقه است و اسرائیل برای حمله نظامی به ایران آمادگی دارد» بازنمایی شده است.

۴,۶. تحلیل محتوای توییت ایران اینترنشنال:

کنش گران: در بین اسامی شخصیت ها، نام نتانیاهو بیش از سایر چهره ها به چشم می خورد. نام اشکان صفایی که یکی از تحلیلگران و خبرنگاران اینترنشنال است نیز بیش از سایر چهره ها تکرار شده است. در بین چهره های داخلی نیز نام سردار سلیمانی، رهبر انقلاب و حسن روحانی بیش از دیگران تکرار شده است. در بین سازمان های پُر تکرار، سپاه با فاصله ای ۸ برابری از سایر سازمان ها قرار دارد. در بین نهادهای غیر داخلی، نام سازمان ملل پُر تکرار بوده است و پس از آن نام وزارت خارجه، خزانه داری و دولت آمریکا به چشم می خورد. در بین مناطق جغرافیایی پُر تکرار نیز نام ایران و آمریکا در زمره پُر تکرارترین ها بوده اند. علاوه بر این، نام کشورهای عربی نظیر سوریه، یمن، عربستان، عراق، لبنان و امارات نیز در زمره پُر تکرارترین ها قرار داشته اند.

مهم‌ترین موضوعات مطرح شده: مطالعه توییت‌های منتشر شده و موردپسند مخاطبان در صفحه توییت این رسانه نشان داد که واکنش اسرائیل به حوادث ایران، اعلام حمایت از اعتراضات و اعلام تقابل با جمهوری اسلامی، بیش از سایر موضوعات از سوی این رسانه باز نشر داشته است. پس از آن، اخبار مربوط به قدرت دفاعی اسرائیل و آمادگی نظامی برای حمله به ایران قرار دارد. شماره به شکاف اجتماعی در ایران در خصوص مناسبات با اسرائیل نیز از دیگر موضوعات مطرح شده بوده است. در این موضوع، بیشتر بر ناراحتی ایرانیان از قطع رابطه با اسرائیل و کمک حکومت به حزب‌الله تأکید شده است. همچنین واکنش منفی مردم به دخالت حکومت در سوریه و کشورهای دیگر، از دیگر مفاهیم مطرح شده ذیل این موضوع بوده است. یکی دیگر از موضوعاتی که از سوی این رسانه مورد توجه قرار گرفته است، تأکید بر نقش ایران در تنش‌های منطقه‌ای و ایجاد ناامنی در کشورهای همسایه بوده است. اشاره به حمایت مالی و اقتصادی ایران از جریان مقاومت نیز از دیگر موضوعات مطرح شده است. در نهایت، اشاره به نفوذ و اقدامات امنیتی اسرائیل علیه ایران از دیگر موضوعات مطرح شده بوده است.

کنش و مفاهیم نسبت داده شده به حکومت ایران: مهم‌ترین کنش منتسب به ایران از سوی این شبکه، «عامل بی‌ثباتی در منطقه و جهان» است. این مسأله در بازتاب سخنان وزیر دفاع اسرائیل علیه جمهوری اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است: «بنی‌گتس، وزیر دفاع اسرائیل، در مصاحبه با وبسایت واینت گفت کشورش آماده حمله به ایران است. او ایران را تهدیدی برای اسرائیل، خاورمیانه و کل دنیا توصیف کرد. کنش منتسب دیگر، ناتوانی و ضعف رهبران ایران است: "کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داد برخی مقام‌های موساد اطلاعاتی درباره غیرقابل‌اعتماد بودن ابراهیم رئیسی و ناتوانی او برای مذاکره به رئیس‌سیا ارائه داده‌اند".

۷. تحلیل گفتمانی و راهبردهای بازنمایی: واکاوی استراتژی‌های گفتمانی و مضامین محوری

برای کشف استراتژی‌های گفتمانی، مضامین محوری و نحوه کاربست آن‌ها توسط دو رسانه ابتدا می‌بایست نگاهی تطبیقی به مواضع آن‌ها داشت.

۷.۱. بررسی تطبیقی مواضع دو رسانه:

تشابهات و تفاوت‌ها در روند محتوای تولید شده: نکته نخست مربوط به گستره اخبار بازتاب یافته و تنوع موضوعی آن‌ها در دو رسانه مزبور است. به نظر می‌رسد ایران اینترنشنال روابط بین جمهوری اسلامی با سایر بازیگران جبهه مقاومت را با تأکید بر جزئیات غیر ضرور بازتاب داده است تا از این طریق روایت پرکششی از این روابط و مناسبات برای مخاطب عام تولید نماید. به طور مثال، خبر سفر سعید مولایی به اسرائیل در کنار خبر شلیک ۵ موشک از سوی جبهه مقاومت به فرودگاه تل‌آویو بازتاب داده شده است تا این گونه القا شود که بین این دو حادثه ارتباط وجود دارد و از این طریق نوعی کشش دراماتیک برای این دسته از اخبار به وجود آورد. در این روایت و درام، در یک سو ایران قرار دارد و در سوی دیگر رژیم صهیونیستی حاضر است و اغلب مسیر روایت به این شکل است که این رژیم دست بالاتر را نسبت به ایران دارد. تلاش این رسانه بر آن بوده است که کلیه آشوب‌ها و خشونت‌های نظامی و سیاسی در منطقه را به ایران ربط دهد. گویی اگر ایران نبود، این منطقه به ثبات می‌رسید. اما این نوع از



خبرپردازی در بی‌بی‌سی وجود ندارد. بی‌بی‌سی معمولاً در پرداختن به اخبار مربوط به جبهه مقاومت از تأکید افراطی بر نقش ایران خودداری نموده است و با تأکید بر بازیگران فرعی جبهه مقاومت مانند انصارالله و حشدالشعبی، نقش آن‌ها را در شرایط موجود برجسته ساخته است. همچنین در این رسانه رویکرد حقوقی و دیپلماتیک در پرداختن به موضوع اولویت دارد و آن گونه که مورد علاقه ایران اینترنت‌نشال است، از وجه داستان‌پردازانه و تکیه بر شایعات شنیداری پیرامون ثروت رهبران حماس و ... خبری نیست. بی‌بی‌سی بر خلاف ایران اینترنت‌نشال، به جای نام بردن مکرر از رهبران مقاومت مانند رهبر انقلاب، بیشتر به جایگاه‌های حقوقی/بین‌المللی اشاره نموده است و پرداختن به سفرهای دیپلماتیک، توافق‌نامه‌های صلح و مواضع رسمی را جایگزین نقل قول از منابع غیررسمی و شایعات تأییدنشده نموده است.

نکته دوم مربوط به منظری است که دو رسانه برای پردازش خبر نسبت به سوژه انتخاب نموده‌اند. به طور کلی می‌توان این گونه بیان نمود که منظر بی‌بی‌سی به منطقه خاورمیانه از بالا است و خود را به عنوان یک راوی بیرونی و بی‌طرف جلوه می‌دهد. در حالی که ایران اینترنت‌نشال شبیه به یک راوی درون‌داستان عمل می‌نماید و به شکل صریح ایران را به راهبری ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در منطقه متهم می‌نماید. این رسانه در تحلیل‌ها معمولاً عاملیت اسرائیل را به شکل کامل حذف نموده است، به گونه‌ای که گویا رژیم صهیونیستی در این منطقه حضور ندارد. به طور مثال، این رسانه بدون بازتاب حملات این رژیم به غزه، تنها به واکنش جبهه مقاومت به این حملات اشاره نموده است. در واقع زنجیره حوادث و رخدادها از سوی این رسانه به شکل یک‌طرفه و به نفع رژیم صهیونیستی بازتاب داده شده است. همچنین این رسانه تلاش نموده اختلافات جزئی بین جمهوری اسلامی و برخی از کشورهای همسایه نظیر عراق را برجسته‌سازی نماید و از این طریق ارتباطات ایران را محدود به سازمان‌های شبه‌نظامی جلوه دهد، نه با دولت‌ها.

نکته قابل تأمل دیگر، حساسیت رسانه مذکور بر بازنمایی اخبار مربوط به کشورهای نظیر عراق، یمن و عربستان است تا سایر کنشگران عضو جبهه مقاومت. به عبارت بهتر، در حالی که بی‌بی‌سی فارسی نوعی تعادل میان جبهه غربی مقاومت (فاطمیون افغانستان) و جبهه شرقی آن (سوریه و عراق) برقرار است، ایران اینترنت‌نشال تنها به جبهه غربی می‌پردازد. شاید بتوان دلیل این مسأله را همجواری افغانستان با حوزه نفوذ سنتی بریتانیا در هندوستان دانست. به هر روی، تحرکات داعش در این منطقه و بمب‌گذاری و کشتار شیعیان در آن جا موضوع کانونی توجه بی‌بی‌سی فارسی است، در حالی که ایران اینترنت‌نشال آن را کاملاً نادیده می‌گیرد. مسأله بعدی مربوط به الاصاق مسائل سیاست خارجی به امور داخلی کشور است. ایران اینترنت‌نشال تلاش نموده است تا نظرات و آرای مخالفان داخلی سیاست‌های منطقه‌ای ایران را مورد توجه قرار دهد و این مخالفت‌ها را به اکثریت مردم ایران تعمیم دهد. از این طریق، این سیاست‌ها را فاقد پشتوانه مردمی و در تضاد و تعارض با منافع و خیر عمومی جلوه دهد و نیز به وجود شکاف بین دولت و ملت در ایران ضریب بدهد. در حالی که بی‌بی‌سی فارسی برای امور داخلی و مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرونده‌های تفکیک‌یافته و تخصصی تشکیل داده است و رویکردهای متفاوتی در پرداختن به هر یک از آن‌ها دارد. این رویکرد تا

قبل از شورش‌های ۱۴۰۱ به چشم می‌خورد، اما بعد از آن است که این دو رسانه خط خبری مشابهی را در پیش گرفته و مسائل داخلی ایران را با پرونده‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به شکل همزمان و مرتبط با هم مطرح نموده‌اند. نکته دیگری که حائز اهمیت است، توجه بی‌بی‌سی فارسی بر شکننده بودن موقعیت و نفوذ نظامی-امنیتی ایران در کشورهای عضو جبهه مقاومت است. همچنین این رسانه تلاش نموده است و ضاع ناپایدار داخلی این کشورها را نتیجه مداخله‌گری ایران در این کشورها نشان دهد. درگیری نیروهای نظامی آمریکا با شبه‌نظامیان عراقی، حمله رژیم صهیونیستی به مواضع سپاه در سوریه و نیز یمن، جزو مهم‌ترین سرخط خبرهای این رسانه است تا منازعه قدرت میان آمریکا و ایران در منطقه و عدم تثبیت قدرت ایران را نشان دهد. هر چند رویکرد غالب ایران اینترنشنال نیز همین بوده است، اما به دلیل تمرکز خاص این رسانه بر محور مقاومت، جزئیات بیشتری مورد توجه واقع شده است.

مسئله مهم دیگر، برقراری رابطه مستقیم بین وضعیت داخلی ایران با شرایط منطقه از سوی این رسانه‌هاست. بی‌بی‌سی با تأکید بر مصاحبه‌ها و گزارش‌های موردی، به گونه‌ای القا نموده است که ذهنیت اجتماعی در ایران نسبت به رژیم اسرائیل مثبت است و مواضع خصمانه این رژیم ریشه در عملکرد رهبران جمهوری اسلامی داشته است. ترور شهید فخری‌زاده و فرضیه همراهی برخی شهروندان ایرانی با موساد، القای مخالفت عمومی با حمایت از غزه و لبنان با شعار «نه غزه، نه لبنان»، عقب‌نشینی مجلس از طرح نحوه رویارویی ورزشکاران ایرانی با اسرائیل، نقش بستن پرچم رژیم صهیونیستی بر روی پیراهن مهدی مهدوی‌کیا و ورزشکار ایرانی، از جمله مهم‌ترین اخبار و گزارش‌های مورد توجه این رسانه‌ها بوده است. در واقع این رسانه‌ها تلاش دارند به گونه‌ای القا کنند که گویا اسرائیل مسئله رهبران ایران است، نه مردم ایران. یک نکته مهم دیگر که البته بیشتر مورد توجه و تأکید ایران اینترنشنال بوده است، کاربرد استراتژی «استثناسازی» از جمهوری اسلامی ایران در نوع ارتباطش با رژیم صهیونیستی است. این رسانه به طور ویژه بر شکل‌گیری روابط گسترده میان اسرائیل با کشورهای عربی خلیج فارس مانور داده است و سعی در القای این فرضیه داشته است که اوضاع مناسب اقتصادی این کشورها نتیجه بهبود مناسباتشان با رژیم صهیونیستی است و ایران را تنها مخالف عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل دانسته است.

تَشابهات و تفاوت‌ها در بازنمایی از کنشگران: دو شخصیت اصلی و پُر تکرار در هر دو رسانه، شهید سلیمانی و نتانیا‌هو بوده‌اند. مشخص است هر دو رسانه شهید سلیمانی را مهم‌ترین بازیگر جبهه مقاومت و طراح سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی می‌دانسته‌اند. بعد از وی، پُر تکرارترین نام نتانیا‌هو بوده است که به عنوان نماینده اصلی منافع غرب در منطقه ایفای نقش می‌نماید و نام وی بعد از نام شهید سلیمانی به شکل‌گیری یک دوقطبی خیر/شر کمک رسانده است. در مرتبه بعد، نام ترامپ و آیت‌الله خامنه‌ای پُر تکرار بوده است که هر یک از آنان به عنوان پشتیبان دو کنشگر نخست مطرح شده‌اند و به شکل‌گیری تصویر دوقطبی‌سازی شده از منطقه خاورمیانه کمک نموده‌اند. این دوقطبی‌سازی در راستای تقلیل مسائل و بحران‌های خاورمیانه به مسئله مقاومت است، در حالی که اساساً شکل‌گیری مقاومت معلول عوامل دیرپای بنیادی و تاریخی و مجموعه تحرکات آن محصول



وجود متغیرهای متنوع منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. به طور کلی، در بین کنشگران مورد اشاره دو رسانه یادشده، مقامات آمریکایی بسیار پرتکرارند و این مسأله باعث می‌شود به لحاظ روانی کفه ترازو به نفع طرف اسرائیلی سنگین‌تر شود و خلأ حضور متحد منطقه‌ای در برابر زنجیره‌ای از بازیگران مقاومت برای اسرائیل جبران گردد. یکی دیگر از شخصیت‌های پرتکرار مورد توجه بی‌بی‌سی فارسی، بشار اسد بوده است که این گویای جایگاه ممتاز وی در بین رهبران مقاومت و نقش پررنگ او در منطقه در زمان یاد شده است. اسد مانند رهبر انقلاب، از شخصیت حقوقی و دیپلماتیک برخوردار است و از این رو جایگاهی متفاوت با سایر متحدان امنیتی ایران نظیر حزب‌الله و انصارالله دارد و همان گونه که در سطور بالا نیز اشاره شد، رویه کلی بی‌بی‌سی فارسی استفاده از ادبیات حقوقی است تا سیاسی.

تَشابهات و تفاوت‌ها در بازنمایی سازمان‌ها: بی‌بی‌سی، سپاه را به عنوان نهاد نخست مورد توجه خود قرار داده است. با توجه به نقش اصلی این نهاد در پشتیبانی و راهبری جبهه مقاومت، این وضعیت طبیعی است. با فاصله زیادی بعد از سپاه، نام سایر نهادهای نظامی، امنیتی و سیاسی آمده است که تنوع این نهادها قابل توجه است. نهادهایی چون سازمان ملل، وزارت خارجه ایران، وزارت خارجه آمریکا، وزارت دفاع، انرژی اتمی، وزارت اطلاعات ایران، دادگستری، بسیج، خبرگزاری تسنیم، خبرگزاری فارس و دولت عراق. این نام‌ها تداعی‌گر شبکه نهادهای داخلی ایرانی است که حامی جریان مقاومت‌اند و با سیاست‌های کلان امنیتی و دفاعی توافقی کامل دارند. همچنین بخش اصلی امنیت داخلی ایران توسط این نهادها تأمین می‌شود و هنگامی که یک رسانه تمامی این‌ها را در کنار نام سپاه قرار می‌دهد، به معنای آن است که امنیت داخلی و منطقه‌ای ایران را در یک دایره تعریف می‌کند، نه دو حوزه جداگانه. از سویی، تکرار نام سازمان ملل به مثابه یک نهاد حقوقی بین‌المللی در برابر نهادهای امنیتی ایرانی قرار داده شده است. ایران اینترنشنال، سپاه و سپاه قدس را به عنوان دو نهاد اصلی پرتکرار و به صورت مجزا مورد اشاره قرار داده است. سپاه قدس به مثابه یک سازمان شبه‌نظامی مستقل به نمایش درآمده است که نسبت به سپاه دارای خودمختاری است و از این منظر آن را نه یک سازمان نظامی رسمی، بلکه گروهی مشابه سایر گروه‌های مقاومت به تصویر می‌کشد. این رسانه نیز مانند بی‌بی‌سی تأکید بر نام بردن از سایر گروه‌های مقاومت نداشته است و در عوض بعد از این دو مورد، بر وزارت خارجه آمریکا و سازمان ملل به عنوان دو بازوی سیاسی-حقوقی قدرتمند طرف غربی اشاره نموده است. آستان قدس رضوی، صداوسیما و دفتر سیاسی حماس از سایر سازمان‌های مورد استناد این رسانه هستند. ایران اینترنشنال از نام‌هایی بهره‌برداری نموده است که در طراحی یک روایت دراماتیک دارای ارزش روایی باشند. از آنجایی که ادبیات شفاهی در فرهنگ عمومی ایران از سابقه‌ای تاریخی برخوردار است و به دلیل فضای بسته رسانه ملی که بسیاری از اخبار را به شکل سانسور یا دستکاری به مخاطب ایرانی انتقال نمی‌دهد، اقبال عمومی به شنیدن اخبار از طریق رسانه‌های بین‌المللی افزایش یافته است. این دو عامل به خوبی مورد استفاده ایران اینترنشنال واقع شده است و استراتژی کلان این رسانه مبتنی بر روایت‌سازی‌های مبتنی بر انگاره‌های کذب را رقم زده است.



تفاوت‌ها در بازنمایی جغرافیا: در هر دو رسانه، اولین جغرافیای تکرارشونده ایران است. با توجه به اینکه برنامه‌ها برای مخاطب فارسی‌زبان تولید می‌شوند، این مسأله طبیعی است. اما نکته حائز اهمیت آن است که نام ایران به گونه‌ای برده می‌شود که انگار به شکل مستقل و فارغ از کنش‌های سایر کشورها دست به کنش‌گری زده است. به عبارت بهتر، نام بردن از ایران به شکلی است که گویی این کشور به صورت خودمختار و خارج از زنجیره‌ای از کنش‌های مرتبط با رفتار سایر کشورها عمل نموده است. با فاصله بسیار زیاد، آمریکا مورد اشاره قرار گرفته است که گویی تنها در برابر رفتارهای منطقه‌ای ایران دست به واکنش زده است. در مراتب بعدی، نام کشورهای نظیر عراق، سوریه و یمن برده شده است که با توجه به حضور این کشورها در جبهه مقاومت، بدیهی می‌نماید. بی‌بی‌سی فارسی نیز همین رویکرد را دنبال نموده است با این تفاوت که از افغانستان نیز نام برده شده است که همان‌طور که پیش از این به آن اشاره شد، این مسأله به خاطر توجه بریتانیا به شرق و همجواری افغانستان با پاکستان و نزدیکی با هند و چین است.

تفاوت‌ها در بازنمایی از موضوعات کانونی: در تداوم استراتژی ایران اینترنشنال بر بزرگنمایی قدرت اسرائیل، این رسانه پوشش خبری رزمایش‌ها و اخبار نفوذ و خرابکاری این رژیم در منطقه را اولویت نخست خود قرار داده است. سپس این رسانه به وجود شکاف اجتماعی در ایران بر سر حمایت از مقاومت و فلسطین انگشت‌گذاری کرده است و رد نشدن تعدادی از دانشجویان از روی پرچم اسرائیل را به عنوان مهم‌ترین نماد و نشانه این شکاف به کرات مورد تحلیل و بررسی قرار داده و به بزرگنمایی این رویداد پرداخته است. مناقشات ورزشی ایران با اسرائیل علیرغم این که چند مورد بیشتر نبوده است، جزو مهم‌ترین سرخط‌های خبری این رسانه بوده است. یکی دیگر از مهم‌ترین نکات برجسته سازی شده، مناسبات مالی ایران با جبهه مقاومت است. به طور کلی ایران اینترنشنال به مسائل و موضوعاتی که بین عامه مردم به ویژه طبقات فرودست جامعه ایرانی دارای جذابیت خبری است، بیشتر پرداخته است. در مقابل، بی‌بی‌سی فارسی به موضوعات با دامنه و طیف گسترده‌تر ورود کرده است. به علاوه، در کنار اخبار مربوط به جبهه مقاومت، مسائل حقوق بشری را نیز بازتاب داده است و از این رهگذر تلاش نموده است تا کشورهای حامی مقاومت را ناقض حقوق بشر معرفی نماید. همچنین این رسانه تلاش نموده است نقص سیستم امنیتی جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار دهد تا موضع ایران را ضعیف نشان دهد.

۷.۲. استراتژی‌ها و مضامین

تحلیل محتوای دو رسانه ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی در پلتفرم‌های اینستاگرام و توییتر نشان می‌دهد که این رسانه‌ها برای بازنمایی جبهه مقاومت از پنج استراتژی گفتمانی اصلی بهره برده‌اند.

استراتژی نام‌گذاری (ارجاعی): یافته‌ها نشان می‌دهد ایران اینترنشنال با کاربرد نام‌هایی چون «سپاه قدس» به مثابه سازمانی شبه‌نظامی و مستقل از سپاه، در پی بازتعریف هویت نهادهای رسمی ایرانی و هم‌سطح‌سازی آن‌ها با گروه‌های غیردولتی مقاومت است. در مقابل، بی‌بی‌سی فارسی با تأکید بر عناوین حقوقی و دیپلماتیک مانند «رئیس‌جمهور»، «وزیر خارجه» و «بشار اسد» به



جای «رهبران مقاومت»، مشروعیت حقوقی کنشگران را برجسته می‌کند. همچنین کاربرد پُرتکرار نام «شهید سلیمانی» و «ننایاهو» در هر دو رسانه، به شکل‌گیری دو گانه خیر/شر و قطبی‌سازی منطقه انجامیده است.

۱- استراتژی حمل (محول‌سازی): ایران اینترنت‌نشال با الصاق ویژگی‌هایی چون «راهبری ناامنی‌ها»، «تنش‌زایی منطقه‌ای» و «مخالفت انحصاری صلح» به ایران، محمول‌های منفی را به کنشگران ایرانی نسبت می‌دهد و هم‌زمان با حذف عاملیت اسرائیل، ویژگی‌هایی چون «قدرت برتر» و «هدف صلح‌طلبی» را به این رژیم محول می‌کند. بی‌بی‌سی فارسی با تأکید بر «شکندگی نفوذ ایران» و «ناپایداری داخلی کشورهای مقاومت» در نتیجه مداخله ایران، ویژگی منفی «ناتوانی در تثبیت قدرت» را برجسته می‌سازد.

۱- استراتژی استدلال‌ورزی: ایران اینترنت‌نشال با ایجاد پیوند علی میان حضور ایران و «ناامنی منطقه» (اگر ایران نبود، منطقه به ثبات می‌رسید) و نیز ارتباط‌سازی میان رویدادهای نامرتبط (سفر سعید مولایی و شلیک موشک به تل‌آویو)، توجیه‌گر طرد ایران از نظم منطقه‌ای است. بی‌بی‌سی فارسی با استدلال «مداخله ایران = بی‌ثباتی داخلی کشورهای مقاومت» و نیز القای رابطه مستقیم میان «عملکرد رهبران ایران» و «خصومت با اسرائیل» (نه خواست مردم)، به توجیه مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های منطقه‌ای ایران می‌پردازد.

۱- استراتژی چشم‌انداز سازی: بی‌بی‌سی فارسی با اتخاذ منظری «از بالا» و بیرونی، خود را راوی بی‌طرف و حقوقی جلوه می‌دهد و با تأکید بر توافق‌نامه‌های صلح، سفرهای دیپلماتیک و مواضع رسمی، روایتی حقوقی-بین‌المللی از تحولات ارائه می‌کند. ایران اینترنت‌نشال با منظری «درون‌داستانی»، روایت‌هایی دراماتیک و دوقطبی (ایران در برابر اسرائیل) تولید می‌کند و با بازتاب جزئیات غیر ضرور و شایعات، به جذابیت‌سازی برای مخاطب عام می‌پردازد. حذف حملات اسرائیل به غزه و بازتاب یک‌طرفه واکنش مقاومت، نمونه‌ای از این چشم‌اندازسازی جانبدارانه است.

۱- استراتژی تشدید و تضعیف: ایران اینترنت‌نشال با بزرگنمایی قدرت اسرائیل (پوشش گسترده رزمایش‌ها و اخبار نفوذ)، برجسته‌سازی اختلافات جزئی ایران با همسایگان، و تکرار نمادین رویدادهایی چون «رد نشدن دانشجویان از روی پرچم اسرائیل»، به تشدید شکاف اجتماعی و القای انزوای منطقه‌ای ایران می‌پردازد. بی‌بی‌سی فارسی با تأکید بر «نقص سیستم امنیتی ایران» و «حمله به مواضع سپاه در سوریه و یمن»، قدرت ایران را تضعیف و موقعیت آن را شکننده نشان می‌دهد. هر دو رسانه با برقراری رابطه مستقیم میان وضعیت داخلی ایران و شرایط منطقه پس از شورش‌های ۱۴۰۱، به تشدید هم‌زمان بحران‌های داخلی و خارجی علیه جمهوری اسلامی پرداخته‌اند.

۲. مضامین بازنمایی شده از جمهوری اسلامی

در کنار استراتژی‌های گفتمانی، پنج مضمون اصلی در بازنمایی ایران و جبهه مقاومت توسط این رسانه‌ها قابل تشخیص است.

مضمون مالی-اقتصادی: این مضمون در دو سطح قابل تشخیص است. در سطح نخست، بازنمایی ساختار اقتصادی ایران به مثابه نظامی با نابسامانی‌های درونی و در سطح دوم، بازنمایی حمایت‌های مالی از جبهه مقاومت به عنوان الگویی از تخصیص منابع

که فاقد شفافیت نهادی تلقی می‌شود. در این چارچوب، مواردی چون نقل قول‌های متسبب به مقامات ایرانی درباره پرداخت‌های مالی به گروه‌های فلسطینی، گزارش‌های مربوط به مرادفات مالی با ونزوئلا و تأمین مالی نیروهای غیررسمی منطقه‌ای از محل بودجه نهادهای عمومی، بازتاب می‌یابد. این مضمون با برجسته‌سازی فقدان سازوکارهای شفاف نظارتی در تخصیص منابع به حوزه سیاست خارجی، در پی ایجاد پیوندی معنایی میان «هزینه‌های منطقه‌ای» و «ناکارآمدی اقتصادی» است.

مضمون امنیتی-راهبردی: محتوای غالب در این مضمون، بازنمایی ایران به عنوان کنشگری مؤثر در معادلات امنیتی منطقه است که کنش‌های آن از سوی بازیگران رقیب به مثابه تهدید تلقی می‌شود. اخبار مربوط به آمادگی‌های نظامی اسرائیل، رزمایش‌های مشترک آمریکا و اسرائیل، و اظهارات مقامات منطقه‌ای درباره ضرورت مهار نفوذ منطقه‌ای ایران، در این دسته جای می‌گیرد. ویژگی مهم این مضمون، تمرکز بر واکنش‌های بازیگران مقابل به کنش‌های ایران و بازنمایی ایران به عنوان متغیر مستقل بحران‌های منطقه‌ای است.

مضمون صلح و همکاری‌های منطقه‌ای: در این مضمون، جمهوری اسلامی در تقابل با روندهای صلح‌آمیز منطقه‌ای بازنمایی می‌شود. عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل به عنوان جریانی صلح‌آمیز و باثبات ساز تصویر می‌گردد و ایران در جایگاه کنشگری مخالف این روندها قرار می‌گیرد. برجسته‌سازی تنهایی راهبردی ایران در مخالفت با این توافقات، و نیز القای رابطه مستقیم میان توسعه اقتصادی کشورهای عربی و بهبود مناسبات آن‌ها با اسرائیل، از جمله راهبردهای گفتمانی این مضمون است.

مضمون حقوقی-قضایی: این مضمون به بازنمایی ابعاد حقوقی کنش‌گری ایران و جبهه مقاومت اختصاص دارد. پرونده‌های قضایی مرتبط با اتهامات جاسوسی، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، و تلاش برای محدودسازی حضور ایران در نهادهای بین‌المللی، در این دسته قرار می‌گیرد. تأکید بر «عدم رعایت دادرسی عادلانه» در پرونده‌های امنیتی و نیز برجسته‌سازی «فقدان مشروعیت بین‌المللی» برخی کنش‌های قضایی ایران، از جمله الگوهای تکرارشونده در این مضمون است.

مضمون هنجاری-انسانی: این مضمون با بهره‌گیری از گفتمان حقوق بشری، به بازنمایی جمهوری اسلامی به مثابه کنشگری می‌پردازد که با هنجارهای بین‌المللی در تعارض قرار دارد. اظهارات مقامات منطقه‌ای و بین‌المللی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، تلاش برای اخراج ایران از نهادهای بین‌المللی مرتبط با حقوق زنان، و بازنمایی ایران به عنوان «نمونه‌ای از حکومت‌های غیرپاسخگو»، در این دسته جای می‌گیرد. وجه تمایز این مضمون، استفاده از زبان هنجارین و ارجاع به کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی برای مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای ایران است. این پنج مضمون، شبکه‌ای از معانی را تشکیل می‌دهند که در مجموع به بازنمایی ایران به عنوان کنشگری با مشروعیت‌های مورد مناقشه در سطوح اقتصادی، امنیتی، منطقه‌ای، حقوقی و هنجاری می‌انجامد.

**۸. نتیجه‌گیری:**

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که مضامین بازنمایی‌شده در رسانه‌های مورد بررسی، ذیل ابراهبرد کلان مشروعیت‌زدایی (Delegitimization) از جمهوری اسلامی قابل طبقه‌بندی است. با بهره‌گیری از چارچوب ون‌لیون (۲۰۰۷)، این ابراهبرد در قالب چهار راهبرد اصلی و متمایز تجلی یافته است که هر یک به وجهی از مشروعیت‌زدایی اشاره دارند:

۱. مرجعیت‌زدایی (Authorization): این راهبرد در دو سطح قابل تشخیص است. در سطح نخست، مشروعیت‌زدایی از مرجعیت نهادی از طریق بازنمایی «ضعف نهادهای امنیتی» صورت می‌گیرد. اخبار مربوط به ترور چهره‌های علمی، سیاسی و نظامی، نفوذ در سیستم‌های اطلاعاتی و موفقیت عملیات‌های خرابکارانه علیه ایران، همگی نهادهای امنیتی را فاقد کارآمدی لازم برای تأمین امنیت شهروندان بازمی‌نمایاند. در سطح دوم، مرجعیت‌زدایی از رهبری و حاکمیت از طریق «غیریت‌سازی» و تبدیل حاکمیت به «دشمن مشترک» مردم ایران و اسرائیل صورت می‌گیرد. با برجسب‌زنی صفات منفی و اهریمن‌سازی از حاکمیت، مرجعیت سیاسی آن در نزد افکار عمومی تضعیف می‌شود.

۲. ارزیابی اخلاقی (Moral Evaluation): این راهبرد از طریق «ازسائیت‌زدایی» و نسبت‌دادن ویژگی‌های غیراخلاقی به جمهوری اسلامی تحقق می‌یابد. بازنمایی ایران به عنوان کنشگری که با هنجارهای بین‌المللی در تعارض قرار دارد و استفاده از گفتمان حقوق بشری برای مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های منطقه‌ای، در این چارچوب جای می‌گیرد. همچنین «کتمان نفرت عمومی ایرانیان از اسرائیل» و تلاش برای بازنمایی حاکمیت ایران به عنوان نیرویی در تقابل با خواست مردم، ارزیابی اخلاقی منفی از نظام سیاسی را تقویت می‌کند.

۳. عقلانی‌سازی (Rationalization): این راهبرد از دو مسیر اصلی دنبال می‌شود. نخست، «عقلانی‌سازی هزینه‌های منطقه‌ای» از طریق بازنمایی «تنهاتر شدن ایران» در مسیر تقابل با اسرائیل. بازنشر اخبار مربوط به افزایش مشروعیت اسرائیل در میان کشورهای عربی و امضای توافق‌نامه‌های صلح، در پی القای «غیرعقلانی بودن» استمرار سیاست‌های منطقه‌ای ایران و افزایش هزینه‌های آن است. دوم، «عقلانی‌سازی تفرقه داخلی» از طریق برجسته‌سازی «شکاف مردم و حاکمیت» بر سر مسئله فلسطین. بازتاب نارضایتی چهره‌های مطرح از عملکردهای منطقه‌ای و اخبار مربوط به مشروعیت‌بخشی ورزشکاران ایرانی به حضور اسرائیل، در پی القای عدم پشتوانه مردمی سیاست‌های منطقه‌ای و توجیه‌پذیری تغییر این سیاست‌هاست.

۴. اسطوره‌پردازی (Mythopoesis): این راهبرد از طریق «الگودهی برای حملات نظامی علیه ایران» و بازتاب گسترده رزمایش‌ها و آمادگی‌های نظامی اسرائیل تحقق می‌یابد. این دسته از محتواها با ایجاد ارباب و ترس و ضعیف‌نشان‌دادن ایران، روایت‌هایی را تولید می‌کنند که در آنها «کنش‌گر مقاومت» (ایران) در مواجهه با «قدرت برتر» (اسرائیل) در حال شکست یا تضعیف است. این اسطوره‌پردازی که مبتنی بر مکانیسم القای غیرمستقیم و عملیات روانی است، با بهره‌گیری از آنچه ویریلیو «پیوند سلاح



و ادراک» می‌نامد، کارایی کنش‌گر را حتی پیش از درگیری فیزیکی کاهش می‌دهد و سناریوی پیروزی طرف مقابل را به مثابه «سرنوشت محتوم» بازنمایی می‌کند.

این چهار راهبرد، اگرچه همگی در راستای مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی عمل می‌کنند، اما هر یک وجهی متمایز از مشروعیت (مرجعیت نهادی، ارزش‌های اخلاقی، عقلانیت هزینه-فایده و روایت‌های اسطوره‌ای) را هدف قرار داده و سازوکارهای گفتمانی متفاوتی را به کار می‌گیرند. تمایز این وجوه، امکان تحلیل دقیق‌تری از ابعاد چندلایه راهبرد رسانه‌ای علیه ایران فراهم می‌آورد.



منابع:

۱. ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷)، *زبان، گفتمان و سیاست خارجی؛ دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی*، تهران: اختران.
۲. -دارابی، علی و احدی، افسانه (۱۳۹۵)، «رسانه، سیاست خارجی و اجماع‌سازی در برنامه هسته‌ای ایران: مطالعه‌ای تطبیقی»، *روابط خارجی*، سال ۹، شماره ۱، صص ۳۳-۶۷.
۳. -دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵)، *گفتمان‌های هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. -فرخی‌پور، محمود و پروانه، سجاد (۱۳۹۸)، «نسبت سیاست رسانه‌ای با سیاست خارجی؛ مطالعه موردی: بررسی مقابله‌ای روزنامه‌های انگلیسی‌زبان ایران و آمریکا»، *علوم سیاسی*، سال ۲۲، شماره ۸۸، صص ۱۵۲-۱۸۰.
۵. -قربانی، ارسلان و سیمبر، رضا (۱۳۸۸)، «دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر»، *روابط خارجی*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۴۳-۶۱.
۱. Van Leeuwen, T., & Wodak, R. (1999). Legitimizing immigration control: A discourse-historical analysis. *Discourse Studies*, 1(1), 83-118.
۲. Van Leeuwen, T., & Wodak, R. (2002). Discourses of un/employment in Europe: The Austrian case. *Discourse Studies*, 22(3), 345-367.
۳. Wodak, R., & Chilton, P. (Eds.). (2005). *A New Agenda in (Critical) Discourse Analysis: Theory, methodology and interdisciplinarity*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
۴. Wodak, R., & Meyer, M. (Eds.). (2008). *Critical Discourse Analysis: History, Agenda, Theory, and Methodology*. London: SAGE Publications Ltd.
۵. Wodak, R. (2018). Discourse and European integration. In *The Routledge Handbook of Language and Politics* (pp. 435-451). London: Routledge.
۶. Wodak, R. (2020). The politics of fear: The shameless normalization of far-right discourse. *Journal of Language and Politics*, 19(1), 1-22.
۷. Van Leeuwen, T. (2018). Moral evaluation in critical discourse analysis. *Critical Discourse Studies*, 15(2), 140-156.
۸. Wodak, R. (2021). Crisis communication and crisis management during COVID-19. *Discourse & Communication*, 15(3), 239-256.
۹. Van Leeuwen, T. (2022). Legitimation in discourse: Theoretical and methodological developments. *Journal of Language and Politics*, 21(3), 345-364.
۱۰. Wodak, R. (2022). Legitimizing crisis management during COVID-19. *Argumentation et analyse du discours*, 28(3).
۱۱. Van Leeuwen, T., & Wodak, R. (2023). Discourse and power: New directions in critical discourse studies. *Discourse & Society*, 34(2), 145-168.
۱۲. Wodak, R. (2023). Politics as usual: Investigating political discourse in action. In *The Routledge Handbook of Discourse Analysis* (2nd ed., pp. 595-610). London: Routledge.